



## سلمان چرا عزیز محمد (ص) شد؟

اَعْنِ مَنْصُورٌ بَرُّوَجٌ قُلْتُ قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (ع) مَا أَكْثَرَ مَا أَسْمَعُ مِنْكَ سَيِّدِي ذَكَرَ سَلْمَانَ الْفَرَسِيَّ فَقَالَ: لَا تَقُلْ لِسَلْمَانَ الْفَرَسِيَّ وَ لَكُنْ قُلْ لِسَلْمَانَ الْمُحَسَّدِيِّ. أَتَدْرِي مَا كَثَّرَهُ ذَكَرِي لَهُ؟ قُلْتُ لَا قَالَ: ثَلَاثَ خَلَالَ، إِحْتِذَاهُ إِيْزَاهُ هُوَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلِيٌّ هُوَ نَفْسُهُ وَ الثَّلَاثِيَّةُ حُجَّةُ الْبَقَرَاءِ وَ اخْتِيَارُهُ إِتَاهِمُ عَلَى أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَ الْفَقْدَ وَ الثَّلَاثِيَّةُ حُجَّةُ الْعُلَمَاءِ، وَ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا خَفِيًّا مُسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) (بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۲)

یکی از یاران امام صادق (ع) از ایشان پرسید:چقدر از شما می شنوم که سلمان فارسی را نام می برید؟ حضرت فرمود: نگوی سلمان فارسی، بگو سلمان معمدی. می دانی چرا سلمان، اینقدر نزد ما عزیز و گرامی است؟ عرض کرد: نه نام دادم مولای من!

فرمود: سلمان، به خاطر سه ویژگی نزد ما عزیز و گرامی است: ۱-خواستۀ امیرالمؤمنین را بر خواستۀ خود مقدم می داشت. ۲- محرومان و فقرا را دوست داشته و بر ثروتمندان ترجیح می داد. ۳- علم و عالمان را گرامی می داشت. سلمان، عبد صالح خدا، حق گرا و مسلمان بود و از مشرکین نبود. «عَنْ مَنْصُورِ بْنِ بَرِّوَجٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللَّهِ الصَّادِقِ (عليه‌السلام)، مَا أَكْثَرَ مَا أَسْمَعُ مِنْكَ يَا سَيِّدِي ذَكَرَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ»، رَوی می گوید ا به امام صادق(ع) عرض کردم! چقدر من زیاد می شنوم از شما که نام سلمان را می برید و از او یاد می کنید. معلوم می شود که حضرت مکرز در مکرز راجع به سلمان مطالبی را می فرموده‌اند. این شخص نجیب می کند که چیست که اینقدر موجب شده شما به او توجه دارید، یا شاید مثلا به او محبت دارید و از این قبیل -فقال: لا تَقُلْ «فارسی» وَ لَكُنْ قُلْ لِسَلْمَانَ الْمُحَسَّدِيِّ، یعنی نسبت او، فراتر از نسبت قومی و میهنی است- نسبت دینی است. این البته به هیچ وجه، طعن به قوم فارس نیست؛ پیغمبر اکرم و ائمه (علیهم‌السلام) از فارس - مردم ایران - متجدید کردند، تعریف کردند؛ در اینکه تردیدی نیست می خواهد فرماید که این شخص، فراتر و بالاتر از این است که به نسبت قومی شناخته بشود؛ نسبت او، نسبت عقیده و دین و پیامبر است؛ و کأَنَّهُ -مثلا- فرزند پیغمبر است.

«أَتَدْرِي مَا كَثَّرَهُ ذَكَرِي لَهُ؟» أَحْضَرْتُ فَرَمُودًا مِي دَانِي قِرَاءَ: «قُلْتُ: لَا، قَالَ: ثَلَاثَ خِصَالٍ» -سه خصوصیت در سلمان بود که این موجب می شود که من او را زیاد یاد کنم و نام او را ببرد-
مثلا- اجلال کم او را، تعظیم کم او را یا محبت به او بورزم.

«أَحْضَاهُ» اِيْزَاهُ هُوَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع)عَلِيٌّ هُوَ نَفْسُهُ»، چیست آن س ه خلقت؟ یکیش این است: میل المؤمنین را بر میل خود غلبه می داد. از این معلوم می شود که بیش از یک بار چنین چیزی اتفاق افتاده که حضرت چیزی را اراده کردند، سلمان چیز دیگری در دل خود و در ذهن خود می خواسته است ولیکن میل و هوای امیرالمؤمنین را - «هوای» یعنی میل- بر میل خود ترجیح داده است. ببینید مقام امیرالمؤمنین را بحال آنجا بیا- که گوشه‌نگارهای آن عظمت و آن جلالت الهی و ملکوتی و جبروتی است ولی اینها همه، هرکدام یک نشانه است.

«وَ الثَّلَاثِيَّةُ حُجَّةٌ لِلْبَقَرَاءِ وَ اخْتِيَارُهُ اِيْتَاهِمُ عَلَى أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَ الْعَدَةِ»، آدمو! فقرا

را دوست می داشت. بعضی ها از طبقه مستضعف جامعه اصلا بدشان می آید؛ حاضر نیستند طرف آنها بروند، نگاه بکنند به آنها؛ خودشان را برتر از آنها می دانند؛ او نه فقرا را دوست می داشت، آنها را بر اهل ثروت ترجیح می داد. اگر فرض بفرماییم در یک جای که پول امیر بود بین یک سرمایه‌دار محترم خیلی پولداری یا یک فقیری، یا باید مثلا خانه این برود یا خانه آن برود، یا باید به این سلام کند یا باید به آن سلام کند، این فقیر را بر آن غنی ترجیح می داد؛ اینها درس است. ما طلبه‌ها، ما جامعه روحانیت و علمی، یکی از خصوصیاتمان از اول همین بود است که با ضغفا و طبقه ضیاف نزدیک بوده‌ایم؛ این یکی امتیاز بزرگی است. بله، گاهی پولدارها مکتب بود سراغ یک عالمی هم بیایند، او هم یک احترامی بکنند اما معاشرت روحانیون با علمای مام، مارجع ما، ائمه جماعت ما- علمانی که بودند یا مردم- عمدتا با مردم فقیر و زیر متوسط بوده است؛ این خیلی چیز مهمی است؛ این را باید بگردد بهنگام حالا که علما و روحانیت، به یک موقعیتی در عالم سیاست دست پیدا کردند، نباید آنچه را تا بیچرخه ما و سنت کهن ما است از دست بدهیم. اینکه در یک شوری یک عالمی مثلا باشند، اولی این مردم معروف باشد که ایشان با تجار و با پولدارها و با باغدارها و مانند اینها آس آن درآرد - مهمانی خانه این میمانی در باغ- آن اما با فقرا نه، آنی نداده؛ این چیز خوبی نیست. این هم یک خصوصیت.

را دوست می داشت، علما را دوست می داشت. این سه خصوصیت در این بزرگوار، موجب می شود که امام صادق با آن جلالت و عظمت، نسبت به او و گواش پیدا کند، محبت -یا تجلیل و تعظیم- نسبت به او بکند. «إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا خَفِيًّا مُسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ».امی فرماید: سلمان بنده صالح حنیف مسلمان است و از مشرکین نیست!

شرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۹۶/۱۱/۳

• پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب



## هدیه رئیس‌جمهور

کنگره بزرگداشت استاد شهیر یار به مناسبت هشتادمین سالگرد میلادشان را برگزار کردیم. آقا هفتینی را به نمایندگی از سوی خود برای شرکت در آن کنگره اعزام فرمودند. شادروان دکتر محمود بورجردی قائم‌مقام وزیر ارشاد بود و آقای دکتر شیرزایان و معاونین وزیر ارشاد و شاعران معنون (صاحب نام) تهران برای دیدار خصوصی و انتقال پیام آقا وقت ملاقاتی خواستند. در محل هتل، آقای دکتر بورجردی به من گفتند که آقا هدایایی هم برای استاد فرستادند که موقع مناسبی برای تقدیم آن هدایا را در نظر داشته باشم. این موضوع موجب تشویش خاطر من شد، چون می دانستم استاد کهنسال پذیرفتن هر گونه هدیه‌ای اعراسی خواهد کرد و اگر این اتفاق بیفتد، بدون موضوع حکومتی و رسمی من شاید در صورت بروز، بهانه سوااستفاده و رد احسان تلقی شود، به هر حال به دنبال شیوه‌ای می گشتم که به منزل استاد محترم، بعد از تعارفات، آقای دکتر بورجردی، هدیه‌ای را از جانب مقام محترم ریاست جمهوری تقدیم استاد کرد، استاد حکیم با ابراز امتنان یاکت را گرفتند و به آن محتوایش نگاهی کشید، با قلم خود نوشتند که برای بنیاد بازسازی مناطق جنگی استفاده شود. سپس استاد بیانات خود را در فضایل آقای خنامه‌ای و مراتب عشق خود به ایشان آغاز کردند. استاد در آن کنگره یکی از بهترین و پخته‌ترین غزل‌های شهیریاره را به تجلیل از مقام رئیس‌جمهور محترم وقت به نام «شهید زنده» خواندند که بعضی از ابیات آن به شرح زیر است:

جهاد عشق تو پیروزی اسپانیش

که سایه‌پرور سیرمعز بود دستانش

تهمنتی جو تو از هفت‌خون نیندیش

نهنگ عشق تو از تهیب طوفانش

شهید زنده ما خود رئیس‌جمهوری است

که دست داده به قرآن که جان به قربانش

(آقای علی‌اصغر فردی - به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی)



## استفتاء

## از رهبر معظم انقلاب اسلامی

## عقیقه برای چند نفر

س. آیا یک عقیقه را می توان به نیت چند نفر انجام داد؟

ج کفایت یک عقیقه برای بیش از یک نفر، ثابت نیست.

در مطلب پیش‌رو جایگاه و اهمیت امنیت از دیدگاه آموزه‌های دینی بطور اجمال بررسی و تشریح شده است.

\*\*\*

امنیت به سبب ارزش و جایگاه عظیم آن در زندگی هر انسانی، عظیم‌ترین نعمت الهی دانسته شده است. آثار و برکاتی که برای امنیت بیان شده و می شود، خود بهترین شاهد در اهمیت و ارزش امنیت و آرامش در زندگی بشر است. البته انسانی که گرفتار ترس و مصیبت و فقدان امنیت شده باشد، قدر امنیت، عاقبت و سلامت را خوب می داند و تلاش می کند تا دمی بدون آن زیست نکند. از این رو امنیت را از بزرگترین نعمت های الهی برشمرده‌اند.

خداوند درباره امنیت عام و فراگیر به عنوان یکی از نعمت های بزرگ، به امنیت در جغرافیای سرزمینی سباه اشاره می کند و می‌فرماید:
و میان آنان و آبادی‌هایی که در آنها برکت نهاده بودیم، شهرهای متصل به هم قرار دادیم و در میان آنها مسافت را به اندازه، مقرر داشتیم. در این آراه‌ها، شب ها و روزها با امنیت و آسوده خاطر گردیدیم.(سبأ، آیه ۱۸)
در منابع اهل سنت در تفسیر مطلق نعمتی که در قیامت پرشش می شود آمده است که رسول‌الله(ص) درباره قول خداوند تبارک و تعالی فرمود:
«مَنْ تَسَلَّمَ عَلَیَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ التَّجْمِیعِ، سپس، در آن روز، قطعا از نعمت پرشش می شود.»
فرمود: الْأَمْنُ وَالصَّلَاةُ؛ مقصود از نعمت، امنیت و سلامت است.(تکائر، آیه ۸؛ تاریخ اسهان؛ ج ۲ ص ۱۴۵ الرقم ۱۳۲۲، تفسیر ابن کثیر؛ ج ۸ ص ۴۹۷)

درباره تفسیر حسنات و سینات روایتی از اهل بیت(ع) نقل شده که در



آن امنیت جزو حسنات قرار داده شده است. در تفسیر قمی آمده است:
درباره این سخن خداوند متعال: «و اگر به آنان خوبی رسد، می گویند: «این، از نزد خداست»، و اگر به آنان، گزند برسد، می گویند: «این، از جانب توست». بگو: «هر دو از جانب خداست.» از اهل بیت علیهم السلام، روایت شده است که فرمودند: «کبوی ها در کتاب خدا بر دو گونه است، و بدی ها نیز بر دو گونه. از جمله خوبی‌ها که خداوند عز و جل نام برده، تندرستی و سلامت و امنیت و گمشایش (رفاه) و روزی است. خداوند، اینها را خوبی نامیده است.»
«و اگر بدی او گزند ی آنها برسد.»
مقصودش از بدی در اینجا، بیماری و ترس و گرسنگی و سختی است.(تفسیر القمی؛ ج ۱ ص ۱۴۴، بحار الانوار؛ ج ۵ ص ۲۰۲ ح ۲۷)

##### امنیت در قرآن

خداوند در آیات قرآن بر اهمیت و ارزش آن امنیت تأکید بسیار داشته و به فریض این منت را می گذارد که ایشان را از نظر اقتصادی و جانی در امنیت قرار داده است.(فریض، آیه ۴)

**انسانی که گرفتار ترس و مصیبت و فقدان امنیت شده باشد، قدر امنیت، عاقبت و سلامت را خوب می داند و تلاش می کند تا دمی بدون آن زیست نکند. از این رو امنیت را از بزرگترین نعمت های الهی برشمرده‌اند.**

از نظر قرآن بهترین مکان ها جایی است که امنیت در آن حاکم باشد و مردم از نظر اقتصادی نیز تامین باشند.(قصص، آیه ۵۷)
و همین‌رو با توصیف مکه به شهر امن، تین، آیه ۳) بر اهمیت امنیت توجه می دهند. همچنین خداوند شهر و جامعه نمونه را جمعاً می داند که دارای امنیت فراگیر و جامع باشد و مردم در آن با اطمینان و آرامش و آسایش زندگی کنند. در حقیقت خوشبختی جوامع به آرامش و آسایش است.(نحل، آیه ۱۱۲)

خداوند در آیه ۱۰۸ سوره بقره، در تبیین ویژگی های شریعت اسلام، به این نکته توجه می دهد که اسلام مردم را به برقراری صلح و امنیت

### معارفMaaref@Kayhan.ir

اجتماعی دعوت می کند و خود در ایجاد و گسترش آن تلاش دارد. این مسئله بیانگر اهمیت و ارزشی است که امنیت در فرهنگ اسلام دارد.

از آنجایی که امنیت پایدار مهمترین خواسته و نیاز انسانی در کنار آسایش و رفاه پایدار است، خداوند در توصیف بهشت به این دو مهم اشاره کرده و می گوید که بهشت جایی است که در آن آرامش و آسایش پایدار برای مومنان تامین است و آنان هیچ ترس و اندوهی نسبت به این امور ندارند.(زمر، آیه ۷۳)

البته این بدان معنا نیست که اسلام خواهان آرامش و آسایش پایدار در روی زمین نیست، بلکه اسلام بر آن است تا در چارچوب کتاب و قانون، چنین امری را فراهم آورد و جامعه‌ای نمونه و ایده‌آل در زمین ایجاد کند که در آن آرامش و آسایش به نسبت پایدار فراهم باشد.(نور، آیه ۵۵؛ قصص، آیات ۲۰ تا ۲۵؛ فتح، آیه ۲۷)

همچنین خداوند در آیه ۲۳ سوره مائده بر ضرورت پاسداری از امنیت و سلامت جامعه ایمانی با سرکوب آشوبگران و فساد انگیزان، خواهان تامین امنیت و حفظ و صیانت از آن است. این مهمترین گواه بر ارزش و اهمیتی است که امنیت در تفکر اسلامی دارد؛ زیرا فرمان جهاد برای تامین امنیت و حفظ آن را می دهد؛ چرا که گاه نمی توان تنها با کار فرهنگی و آموزشی و تربیتی دیگران را به حفظ امنیت دعوت کرد؛ بلکه لازم است تا گروهی را که ظالم و امنیت زدا هستند با تبع تیز شمشیر حذف کرد یا با فشار سهمگین تازانه بر جایشان نشاند.

##### امنیت در منابع روایی

مقوله امنیت و اهمیت آن در احادیث امامان معصوم(ع) فراوان مورد



**اهمیت امنیت در اسلام**

تأکید قرار گرفته است. از دیدگاه پیامبر(ص) امنیت یکی از چهار نعمتی است که با آن نعمت‌های الهی، کامل می شود. ایشان می‌فرماید: هر کس شب و روز خود را در اسبیری کند و از سه چیز، برخوردار باشد، نعمت دنیا را کامل دارد: کسی که بام و شامش را در تندرستی و امنیت و آسایش خاطر بگذراند و خوراک روزانه خود را داشته باشد. حال اگر چهارمین نعمت را هم داشته باشد، نعمت دنیا و آخرت بر او کامل شده است و آن نعمت، اسلام است. (الکافی؛ ج ۸ ص ۱۴۸ ح ۱۷۲)

از نظر پیامبر(ص) قدر عاقبت و امنیت را کسی نمی‌داند. ایشان می‌فرماید: نِعْمَتَانِ مَقْرُونَتَا: الْأَمْنُ وَالْعَاقِبَةُ؛ در نعمت قدرشان ناشناخته است: امنیت و سلامت.(الخصال؛ص:۳۴ ج، بحار الانوار؛ ج ۸۱ ص ۱۷۰ ح ۱)

امیرمومنان علی(ع) در توصیف بهشت حضرت آدم(ع) به همین مسأله امنیت اشاره می کند و می‌فرماید: أَسْكَنَ سُبْحَانَهُ أَدَمَ (ع) دَارًا أَرْضَ فِيهَا عَيْشُهُ، وَأَمَّنَ فِيهَا مَحَلَّتُهُ ؛ خداوند سبحان، آدم (ع) را در سرایی جای داد که در آن سرا، زندگی‌اش را پُر از ناز و نعمت، و محیطش را برخوردار از امنیت قرار داد.(نهج البلاغة: الخطبة ۱، بحار الانوار؛ ج ۶۳ ص ۲۱۲ ح ۴۸)

از نظر امیرمومنان علی(ع) نعمت امنیت، گواراترین نعمت برای بشر است. ایشان می‌فرماید: لَا نِعْمَةَ أَهْأَمِنُ مِنَ الْأَمْنِ؛ نعمتی گوارتر از امنیت نیست.(غرر الحکم؛ ج ۶ ص ۴۳۵ ح ۱۰۹۱۱، عبون الحکم والموعاظ؛ ج ۵۴۴ ص ۱۰۱۱۹ ح ۱)

از نظر پیامبر(ص) در عصر اساسی بوجود آورنده سعادت و خوشبختی هستند؛ اما از نظر اهمیت، امیرمومنان، آرامش را مقدم و برتر از آسایش می داند؛ زیرا به نظر ایشان، آسایش در سایه سار آرامش و امنیت تحقق می یابد. ایشان می‌فرماید: رَاقِبَةُ الْعِيْشِ فِي الْأَمْنِ؛ آسایش زندگی، در گو آرامش و امنیت است.(غرر الحکم؛ ج ۴ ص ۵۴۳۸، عبون الحکم والموعاظ؛ ص ۲۷۱ ح ۴۹۸۳)

**از منظر متون اسلامی، امنیت اجتماعی، یکی از بزرگترین و گوارترین نعمت های الهی است که با نعمت تندرستی و سلامت برابری می کند. همه مردم به آن نیاز دارند و بدون آن، شادی و زندگی بی مفهوم است؛ ولی کمتر کسی قدر این نعمت بزرگ را می داند.**

امام صادق(ع) نیز در اهمیت امنیت می‌فرماید: نعمت دنیا، امنیت و تندرستی است، و کامل شدن نعمت در آخرت، رفتن به بهشت است. تا زمانی که بنده وارد بهشت نشود، هرگز نعمت را کامل به دست نیاورد (زمانی الاخیار؛ ص ۴۰۸ ح ۸۷، عن زید الشحام، بحار الانوار؛ ج ۸۱ ص ۱۷۲ ح ۸)
ح به نظر می‌رسد که انسان تا وقتی به بهشت وارد نشده ناپاید خود را در امنیت بداند و همواره باید ترسان و خوفناک باشد؛ اما وقتی به بهشت وارد شد خود را در امنیتی مطلق و باقی خواهد یافت؛ زیرا هرگز در بهشت دگرگونی رخ نخواهد داد و تغییر بوجود نمی‌آید. از منظر متون اسلامی، امنیت اجتماعی، یکی از بزرگترین و گوارترین نعمت های الهی است که با نعمت تندرستی و سلامت برابری می کند. همه مردم به آن نیاز دارند و بدون آن، شادی و زندگی بی مفهوم است ؛ ولی چنانکه گذشت، کمتر کسی قدر این نعمت بزرگ را می داند. از نظر آموزه‌های اسلامی، فقدان امنیت بدترین کمبودها در زندگی بشر است و انسان باید برای تامین آن تلاش کند و عوامل آشکار و نهان آن را شناسایی و در جستجوی تحقق آن به این عوامل تمسک کند. از این رو فقدان آن و عدم تلاش شخص یا جامعه برای تامین آن نتواند، نگوشت قرار گرفته است.

پیامبر(ص) می‌فرماید: در گفتار بی کردار، و دیدن بی اومدن... و زندگی بدون سلامت، و وطن بدون امنیت و شادمانی، خیری نیست. (کتاب من لا یحضره الفقیه؛ ج ۴ ص ۳۶۹). پس در جامعه‌ای که امنیت نیست هیچ خیری نیست؛ بلکه باید آن را بدترین سرزمین‌ها و جوامع بشری دانست؛ چنانکه امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنٌ فِيهِ وَلَا خَصْبٌ؛ بدترین شهرها، شهری است که در آن، امنیت و فراوانی نباشد.(غرر الحکم؛ ج ۴ ص ۱۶۵ ح ۵۶۸۴، عبون الحکم والموعاظ؛ ص ۲۹۴ ح ۵۲۵۳)

از نظر امام علی(ع) کسی که امنیت ندارد و همیشه ترسان و هراسان است، اصولاً زندگی ندارد؛ الخائف لا عیْشَ لَهُ؛ کسی که در ترس و وحشت به سر می بزد، زندگی ندارد.( غرر الحکم؛ ج ۱ ص ۲۵۱ ح ۱۰۱۱، عبون

# اهمیت امنیت در اسلام

**علی جواهر دهی**

**از نظر قرآن بهترین مکان ها جایی است که امنیت در آن حاکم باشد و مردم از نظر اقتصادی نیز تامین باشند. از همین‌رو با توصیف مکه به شهر امن بر اهمیت امنیت توجه می دهد. همچنین خداوند شهر و جامعه نمونه را جامعه‌ای می‌داند که دارای امنیت فراگیر و جامع باشد و مردم در آن با اطمینان و آرامش و آسایش زندگی کنند. در حقیقت خوشبختی جوامع به آرامش و آسایش است.**

الحکم والموعاظ؛ ص ۳۰ ح ۴۵۳). این بدان معناست که حقیقت زندگی را باید در اموری چون امنیت جستجو کرد و فقدان امنیت که ترس و خوف است، به معنای فقدان زندگی است.
**امنیت، مسئولیت دولت و نظام اسلامی**
در فقه اسلامی با توجه به اهمیت زیاد امنیت و آرامش در سعادت بشر از منظر قرآن، به این امر توجه ویژه ای مذبول شده است. توجه قرآن به امنیت در این گسترته وسیع از آیات خود گواهی روشن بر مسئولیت و تکلیف امن و امام برای تامین آن است.
نگاهی به درخواست امنیت از سوی حضرت ابراهیم (بقره، آیه۴۱؛ ابراهیم، آیه ۳۵.) و تأکید قرآن بر حرمت جنگ در ماههای حرام برای تامین امنیت و منت گذاری بر قریش و اهل مکه به سبب تامین آن و یادآوری بعضی اقوام پرمهرند از نعمت امنیت مانند قوم سبا (سبأ، آیه ۱۸) متفکر جایگاه و ارزش امنیت در فرهنگ قرآنی است. هم چنین ارتباط بخش فراوانی از مباحث فقهی قرآنی حدود، دیات و جهاد با مقوله امنیت، نشان از اهمیت امنیت در اسلام و زمینه‌ای برای نهادینه شدن فرهنگ امنیت در جامعه اسلامی است.

چنانکه گذشت از نظر اسلام ضروری است برای ایجاد و حفظ و صیانت از امنیت با نظر افراد و گروه‌ها ای جوامع ضد امنیت مبارزه کرد و آنان را حذف یا بر جای خود نشاند.(مائده، آیه ۳۲)

خداوند با آنکه مبارزه با کفر و شرک را به عنوان ظلم عظیم از وظایف و تکلیف هر مسلمانی دانسته است، با این حال اجازه نمی‌دهد که امنیت در همه احوال از فرد یا جامعه‌ای سلب شود؛ از این رو فرمان می‌دهد تا در ماههای حرام از هر گونه جنگ که موجب سلب امنیت است خودداری شود و مسلمانان حق ندارند در این ماه‌ها به جنگ رفته و از مشرکان و کافران سلب امنیت کنند.(توبه، آیه ۴ و ۵) و به هر حال، بر دولت اسلامی است تا به اشکال گوناگون از امنیت افراد و جامعه و حتی جوامع دیگر دفاع و صیانت کند و به تامین آن اقدام نماید.

**شکیبایی ؛ لازمه اقامه ستون دین در جامعه**
تشکیل دهی و جماعت داشته باشی: وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَذُكِّرُوا مَعَهُ الرَّكِيعِينَ؛ و نماز را بر پا دارید بخوانید(مزل، آیه ۲۰) و همچنانکه خدا (بقره، آیه۱۵۲: «أَنْ عَمْرَأَ، آدَمَ» و پیامبرش(ص) آیات قرآن را تلاوت می کند (بقره، آیه ۱۵۱)؛ «أَنْ عَمْرَأَ، آدَمَ» (۱۶۴) ما هم به تلاوت قرآن بپردازیم (بقره، آیه ۱۷۱، فاطر، آیه ۲۹) و ترتیل قرآن را رزق روزانه خود قرار دهیم؛ چنانکه خداوند) فرقان، آیه ۳۲) و پیامبرش می فرماید: الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ ؛ با رعایت نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(اسراء، آیه ۷۸؛ نگاه کنید: طه، آیه۱۲۹ ؛ روم، آیه ۱۸، آیه ۱۸، آیت ۲۹ و ۴۰) و گاه چنان که نماز، ستون دین است: «إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ» ( وسائلالشیعه، ج ۴، ص ۲۷)
خداوند گاه می فرماید: أَمِيرُ الصَّلَاةِ لِنُذُوكِ الشَّمْسِ إِنِّي عُشَقِ اللَّيْلِ؛ ای پیامبر از زمان ماییدن چشم به سبب نور خورشید (فجر صادق) یا از زوال خورشید یا غروب آن( از تاریکی شب - در طول شبانه روز- نماز گزار آن را اقامه کن.(